◆ شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۴ ◆ شماره ۲۰۱۷ ◆ سال هشتم ◆ ۱۵ صفر ۱۴۴۷ ◆ ۹ آگوست ۲۰۲۵ ◆ ۸ صفحه ◆ ۱۰۰۰۰ تومان

اتحاد ملت

روزنامه صبح ایران

توقف قیمت دلار در میانه نوسانات

اسکناس آمریکایی در مرز تصمیم‌گیری

صفحه ۵

به بهانه ۱۷ مرداد و چالش‌های پیش‌روی خبرنگاران

خبرنگاران در بن بست

صفحه ۳

خلیج فارس برای خنثی کردن طرح خطرناک بی‌بی برای خاورمیانه خیز برمی‌دارد؟

فروپاشی توهم صلح‌ساز ترامپ

صفحه ۷

ماشه از سر برنامه هسته‌ای ایران برداشته می‌شود؟

آزمون دوباره برای لاریجانی

بازگشت لاریجانی به شورای عالی امنیت ملی در شرایط کنونی، امید بیشتری را درباره حل مسائل کلان پیش رو ایجاد کرده است. باید دید او چه راهکارهایی را در پیش خواهد گرفت.

«مسعود پزشکیان» رئیس جمهوری اسلامی ایران روز سه‌شنبه طی حکمی «علی لاریجانی» را به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی منصوب کرد.

پزشکیان در این حکم از لاریجانی خواسته است تا ضمن نظارت مدبرانه و دقیق بر حسن اجرای امور دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و هم‌افزایی دستگاه‌های مرتبط، نسبت به رصد و اولویت‌بندی مسائل و مخاطرات امنیت ملی، به ویژه تهدیدات نوظهور و فناورانه، باز تعریف مفاهیم راهبردی و اتخاذ رویکرد هوشمندانه و مردم‌پایه متناسب با مسائل امنیت ملی در راستای تحقق سیاست‌های کلی و منویات مقام معظم رهبری، حرکت کرده تا کشور به امنیت پایدار در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دست یابد.

رئیس‌جمهور تاکید کرده است، کلیه اموری که به امنیت ملی مربوط است، صرفاً از طریق دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی بررسی و تصمیم‌سازی شود.

شایان ذکر است، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی روز یکشنبه نیز در اطلاعیه‌ای از تشکیل «شورای دفاع کشور» خبر داد.

این شورا، طرح‌های دفاعی و ارتقای توانمندی‌های نیروهای مسلح را به‌صورت متمرکز بررسی می‌کند، همچنین ریاست این شورا بر عهده رئیس‌جمهور بوده و متشکل از سران قوا، فرماندهان نیروهای مسلح و بعضی وزارتخانه‌های مرتبط از جمله وزارت امور خارجه است.

شرح در صفحه ۲

سرمایه‌گذاری ۲۰۰ میلیون دلاری صندوق توسعه‌ملی

قطره‌ای در دریای ناترازی برق

صفحه ۴

«اتحادملت» پشت پرده افزایش قیمت اصلی ترین خوراکی در سفره مردم را بررسی می‌کند

تاثیر مستقیم گرانی نان روی دهک‌های پایین

صفحه ۵

چرا ورود به این خانه ممنوع شد؟

اندیشمندان پشت درهای بسته!

صفحه ۸

سخن نخست

به‌قلم: پویا وکیلی

صدای رسانه سازنده یا ویرانگر؟ نگاهی به نقش خبرنگار در جامعه

روز خبرنگار فرصتی است برای پاسداشت تلاش‌های انسان‌هایی که با شجاعت و دقت، حقیقت را به جامعه منتقل می‌کنند. خبرنگاری، حرفه‌ای است که فراتر از یک شغل صرف، رسالتی بزرگ بر دوش دارد؛ رسالتی که باید آگاهانه و مسئولانه انجام شود.

خبررسانی، صرفاً انتقال اطلاعات و اخبار نیست؛ بلکه یک فرایند تأثیرگذار و شکل‌دهنده به نگرش‌ها، باورها و رفتارهای فردی و اجتماعی است. هر خبری که منتشر می‌شود، در لایه‌های عمیق جامعه تأثیر می‌گذارد و نوعی انرژی در میان مردم ایجاد می‌کند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

رنج تصمیم های ناتمام ، داغ کارهای نیمه تمام هراس تعلیق بی پایان

به قلم: روزبه کردونی

این روزها آن‌چه بیش از هر چیز در گفت‌وگوها، دغدغه‌ها و نگرانی‌ها تکرار می‌شود، تعلیق، ابهام آینده، و هراسی‌ست برخاسته از بی‌تصمیمی و تردید—تردیدهایی که همیشه خائن‌اند: به ما، به ایران، به تاریخ و به انسانیت.

هیچ‌چیز به اندازه‌ی تردید، تصمیم‌های اجرانشده و کارهای نیمه‌تمام، روان را نمی‌فرساید. تصمیم‌های نگرفته‌شده، در تار و پود جان، تعلیق می‌کارند و برزخی می‌سازند که نه آغاز است، نه پایان. نیمه‌تمامی، پلی‌ست معلق بر پرتگاه سردرگمی؛ وضعیتی فراتر از بحران فردی—یک تراژدی جمعی و تمدنی. در تردید و تعلیق ، استعدادها خاموش می‌مانند، زندگی مصرف می‌شود، و آن‌چه باقی می‌ماند، زیستی تباه است—همان جرم بزرگ انسانی که در دادگاه فیلم شکوهمند پاپیون گفته شد: "The most terrible crime a human being can commit."

در این وضعیت، انگیزه خاموش می‌شود و حس کفایت، زیر آوار تردیدها وآغازهای ناتمام دفن می‌شود. جامعه‌ای که تصمیم‌ها در ذهن می‌مانند و در اجرا گم می‌شوند، از درون فرسوده می‌شوداین فرسودگی، نه از شکست، که از بلاتکلیفی و بی‌انگیزگی برمی‌خیزد.

با ناتمام‌ها زندگی می‌کنیم: تردیدهای پایان نیافته ، تصمیم‌های نگرفته، مسایل حل نشده ، تجارب آموخته نشده ، فرصت‌های از دست‌رفته، و اقداماتی که در میان راه متوقف مانده است.

آن‌چه روان ما، روح جامعه و جان نظام‌های حکمرانی را می‌فرساید، نه پایان‌های تلخ، که بلاتکلیفی‌های بی‌پایان است. مانند قهرمانان رمان‌هایی که درون خود چنان درگیرند که جهان بیرون برایشان از معنا تهی می‌شود، جوامعی نیز که تصمیم‌هایشان را به تعویق می‌اندازند، از درون فرو می‌ریزند .روزی می‌رسد که درمی‌یابند وارث خاطره هایی هستند که هرگز به آینده نرسیده است.

اما بوروکراسی ها ، دولت ها، نظام های حکمرانی و حتی تمدن‌ها تنها با شمشیر و جنگ سقوط نمی‌کنند؛ گاهی در آغوش اشتباه محاسباتی ، تعلل، تسامح و بی‌تصمیمی پوسیده که خود نوعی تصمیم است از یاد می‌روند. تاریخ، پر است از سرزمین‌هایی که نه با دشمن، بلکه با فرسایش درونی از پا افتاده‌اند. نظام‌هایی که در تصمیم‌گیری معلق می‌مانند، در اجرا گرفتار تسویف می‌شوند، و در پیگیری غایبند، به‌تدریج مشروعیت خود را از دست می‌دهند و جان جمع را می‌فرسایند. سیاستمدارانی که قهرمانان نااقدام‌اند، همچون آنانی هستند که—به‌قول تولستوی—"وقتی تصمیم به زیستن می‌گیرند، درمی‌یابند که عمر گذشته است." به باور من این سیاستمداران شاید همان‌طور که آل پاچینو در بوی خوش زن می‌گوید: "هر وقت به یک دو راهی می رسانند، می‌دانستند کدام راه درست است و کدام غلط همیشه راه غلط را انتخاب کردند (بی تصمیمی) ، چون راه درست لعنتی سخت‌تر بود."

و این همان میراث هولناک فرداهای به تعویق‌افتاده است؛ فرهنگی از تسویف و بی‌تصمیمی مزمن. شاید جامعه، همچون ژاپن پس از هیروشیما، یا آلمان پس از جنگ، بتواند از دل شکست برخیزد؛ اما هیچ چیز خطرناک‌تر از انتظاری بی‌پایان و ناتوانی در گسستن از زمان نیست و تعلیق و تردید نیست .

تصمیم، هرچند دشوار، رهایی‌بخش است؛ حتی تلخ دروازه ای است بسوی فردای روشن تر . تصمیم قوی به تعبیر امام علی علیه السلام درمان کننده بیماریِ سستیِ دلِ است و بیدار کننده خوابِ غفلتِ دیده بصیرت " فتَداوَ مِن داءِ الفَترَةِ فی قَلبِکَ بِعَزیمَةٍ ، و مِن کَرَی الغَفلَةِ فی ناظِرِکَ بِیَقظَةٍ"

یادداشت

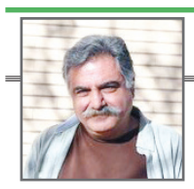

به‌قلم: پیام فروتن

رزومه‌شکست؛ سند انسان بودن!

در سال ۲۰۱۶، یوهانس هاوس‌هوفر، استاد روان‌شناسی و اقتصاد دانشگاه پرینستون، رزومه‌ای از خود منتشر کرد که برخلاف انتظار، سرشار از ناکامی‌ها و شکست هایش بود. او در این رزومه، فهرستی از بورسیه‌هایی که نگرفته بود، مقاله‌هایی که رد شده بودند و شغل‌هایی که موفق به کسب آنها نشده بود را با شجاعت تمام منتشر کرد.

او در ابتدای رزومه شکست خود نوشت: «مردم معمولاً فقط موفقیت‌های مرا می‌بینند؛ اما واقعیت آن است که تعداد شکست‌های من بسیار بیشتر از دستاوردهایم بوده اند. شاید مشاهده این فهرست به دیگران کمک کند احساس نکنند تنها آن‌ها بوده اند که شکست خورده‌اند.»

رزومه شکست هاوس‌هوفر به‌سرعت در فضای مجازی وایرال شد و تحسین بسیاری از دانشگاهیان، کارآفرینان و دانشجویان را برانگیخت. او با این حرکت، نشان داد که شکست نه تنها شرم‌آور نیست، بلکه بخشی ضروری از مسیر رشد بوده و بیان آن می‌تواند الهام‌بخش باشد، نه تحقیرکننده. این روزها، روزهای کنکور و آزمونهای عملی و مصاحبه های مختلف دانشگاهی است و به عادت مالوف از داوطلبان رزومه میخواهند. در همین راستا، فهرستهای موفقیت شاخداری ارائه میشوند که شاید فارغ التحصیلان درجه ۱ هاروارد و پرینستون هم دارای چنین دستاوردهایی نباشند! این در حالی است که پذیرفته شدگان با ورود به دانشگاه یا محل کارشان، چهره دیگری از خود را به نمایش می گذارند و با هر شکست یا شنیدن «نه»، بیشتر و بیشتر فرو میریزند، مایوس میشوند یا به مقابله می‌پردازند. بدین ترتیب است که شاید امروزه رزومه شکست داوطلبانه هاوس هوفر، به یک ضرورت بدل شده باشد و باید از تمام کسانی که رزومه موفقیتهایشان را ارائه میکنند، رزومه شکستهایشان را نیز دریافت کرد. این نوع رزومه، برخلاف عرف رایج که تمرکز را بر موفقیت‌ها می‌گذارد، شکست‌ها، رد شدن‌ها، اشتباهات و ناکامی‌ها را فهرست می‌کند؛ رزومه شکست، نه برای تحقیر یا خودزنی است، بلکه نمایشی از تأکید بر رشد، تاب‌آوری و انسان بودن است. در فرهنگ حرفه‌ای معاصر، شکست اغلب موضوعی ممنوعه بوده و چیزی است که باید پنهان شود. اما تحقیقات روان‌شناختی نشان می‌دهند که شکست، اگر به‌درستی پردازش شود، می‌تواند به یکی از مؤثرترین نیروهای محرک در یادگیری و رشد بدل شود.

کارول دوک روان‌شناس دانشگاه استنفورد، در نظریه مشهور «ذهنیت رشد» خود می‌نویسد: «افرادی که شکست را بخشی از فرایند یادگیری می‌دانند، نه‌تنها انعطاف‌پذیرترند، بلکه در بلندمدت موفق‌تر خواهند بود.» رزومه شکست، در واقع تجلی بیرونی همین ذهنیت بوده و سندی برای به تصویر کشیدن پیامی بزرگ است: این‌که فرد نه‌تنها با سختی‌ها روبه‌رو شده، بلکه موفق شده از دل آن‌ها بیرون آمده و چیزهای تازه‌ای را بیاموزد.

رزومه شکست می‌تواند به ما کمک کند تا مفهوم موفقیت را بازتعریف کرده و به جای فهرستی از جوایز و عناوین، نگاهی به پشت صحنه این موفقیت‌ها بیندازیم. این نوع رزومه، انسان را از وضعیت یک «ماشین موفقیت» خارج ساخته و او را به موجودی پیچیده، واقعی و در حال تکامل بدل می‌سازد. نگاه کنیم به ساموئل بکت که گفته است: «همیشه تلاش کن، همیشه شکست بخور، مهم نیست. دوباره تلاش کن، دوباره شکست بخور. اینبار بهتر شکست بخور.» مهمترین بخش رزومه شکست، تأملات شخصی در کنار هر مورد اعلام شده است: این‌که از هر شکست چه آموخته‌اید، چه کاری را بهتر می‌توانستید انجام دهید و امروز چگونه آن تجربه را در خودتان هضم کرده‌اید. در سالهای اخیر برخی از شرکت‌های نوآور، نظیر گوگل، نت‌فلیکس و آی‌دیایاو از متقاضیان استخدام خود خواسته‌اند که علاوه بر رزومه عادی، بخش‌هایی از اشتباهات یا چالش‌های حرفه‌ای‌شان را هم شرح دهند. هدف از این کار، ارزیابی شجاعت، صداقت و توانایی فرد است. ویژگی‌هایی که در عصر خودآگاهی، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار شده اند. در فضای آکادمیک نیز، نمایش شکست‌ها به شکلی مسئولانه و تحلیلی، دانشجویان را از اضطرابِ کامل بودن نجات داده و فرهنگ سالم‌تری از آموزش و تحصیل را فراهم میسازد. رزومه شکست، تنها درباره گذشته نیست؛ بلکه بیش از هرچیز درباره آینده است. درباره آن‌که چگونه می‌خواهیم با چالش بعدی روبرو شویم، چگونه تصمیم خواهیم گرفت و چطور باید اشتباه کنیم و مجددا برخیزیم. در جهانی که با تصاویر فیلترشده از موفقیت‌های غول آسای دیگران احاطه شده‌ایم، رزومه شکست می‌تواند یادآور این واقعیت باشد که همه ما در مسیر یادگیری هستیم و شکست، بخش اصیل و گریزناپذیر آن است. به قول آنجلا دوکوورث «کامل نبودن، نشانه انسان بودن است. کسی که هرگز شکست نمی‌خورد، یا دروغ می‌گوید یا هیچ‌وقت تلاش نکرده است.»

یادداشت

به‌قلم: نجمه سیددخت

خبرنگار؛ نگاه بیدار تاریخ

هر سال، روز خبرنگار در ایران در تاریخ ۱۷ مردادماه گرامی داشته می‌شود؛ روزی که در آن محمود صارمی، خبرنگار ایرنا همراه با هشت دیپلمات ایرانی در سال ۱۳۷۷ در مزارشریف افغانستان به دست طالبان شهید شدند. بعد از این واقعه، شورای فرهنگ عمومی کشور، آن روز را به‌عنوان «روز خبرنگار» نامگذاری کرد.

خبرنگار از منظر علمی فردی است که با تحصیلات تخصصی، وظیفهٔ جمع‌آوری، پالایش و انتشار اخبار را با حفظ معیارهایی چون حقایق‌نگاری، بی‌طرفی، سرعت و شفافیت برای یک رسانهٔ شناخته شده، برعهده دارد. این حرفه به‌عنوان یکی از ستون‌های آزادی بیان در دانش ارتباطات شناخته می‌شود و تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رسانه‌ها با نقش حرفه‌ای خبرنگاران به صورت مستقیم گره خورده است.

پیدایش مطبوعات در ایران به دوران سلطنت محمدشاه قاجار بازمی‌گردد؛ زمانی که میرزا محمدصالح شیرازی با استفاده از دانش‌آموختگان فرنگ رفته توسط عباس میرزا نایب‌السلطنه، اولین چاپخانهٔ سنگی را تأسیس و در ۲۵ محرم سال ۱۲۵۳ قمری (مصادف با ۱ می ۱۸۳۷ میلادی)، نخستین روزنامه تحت عنوان «کاغذ اخبار» را منتشر کرد؛ نشریه‌ای ماهانه که شامل اخبار داخلی و بین‌المللی بود و آغاز رسمی عصر روزنامه‌نگاری در ایران تلقی می‌شود.

سردبیران و گردانندگان اولیهٔ این روزنامه، نزدیک به دربار و دستگاه حکومتی بودند و طبقات نخبه و دیوان‌سالاران جامعه را مخاطب خود قرار داده بودند؛ اما در دوران مشروطه، مطبوعاتی مستقل‌تر مانند صوراسرافیل، ایران نو و مساوات توسط روشنفکران و آزادی‌خواهان شکل گرفت که پیام خود را به مخاطبان گسترده‌تری منتقل کردند.

در عصر حاضر، رسانه‌ها نه فقط کانال انتقال اطلاعات؛ بلکه ابزار شکل‌دهی افکار عمومی و ناظر بر قدرت در جوامع پیچیدهٔ دانش محور به شمار می‌روند. نظریه‌های ارتباطی همچون مدل انتقال پیام، نقش نگهبانی (gatekeeping) در فیلتر اطلاعات و نظریهٔ سواد رسانه‌ای، همگی به جنبه‌های اخلاقی، تحلیلی و انتقادی حرفهٔ خبرنگاری مرتبط هستند. همچنین با اقتدار رسانه‌ای و سرعت نشر اطلاعات در فضای دیجیتال، چالش‌هایی مانند انتشار خبر نادرست، نفوذ شبکه‌های اجتماعی و بحران اعتماد نیز اهمیت یافته است.

امروزه رسانه‌ها، میدان نبردی خاموش؛ اما تعیین کننده‌اند. در این میدان، جنگ با گلوله‌ها جای خود را به نبرد روایت‌ها داده است. آنچه به نام جنگ رسانه‌ای شناخته می‌شود، مجموعه‌ای از تلاش‌های سازمان‌یافته است که هدف آن شکل‌دهی به ذهنیت افکار عمومی، تضعیف اعتماد به منابع داخلی، القای روایت‌های مطلوب دشمن و در نهایت، تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی و اجتماعی جوامع هدف است. این جنگ، بی‌آنکه خونریزی ظاهری داشته باشد، می‌تواند ستون‌های روانی یک ملت را فرو بریزد و آنان را به پذیرش واقعیتی تحریف‌شده سوق دهد.

در این میان، خبرنگار نقش پیشقراول را دارد. او دیده‌بانی است که در برابر طوفان اخبار جعلی، تحلیل‌های مغرضانه و تصویرسازی‌های ساختگی می‌ایستد و با مستندسازی واقعیت، به افکار عمومی امکان می‌دهد تا حقیقت را از هیاهو بازشناسند. در بسیاری از بحران‌های معاصر، از جنگ‌های منطقه‌ای تا تحولات سیاسی بین‌المللی، این خبرنگاران بوده‌اند که با گزارش‌های میدانی خود، پرده از عملیات روانی سازمان یافته برداشته و روایت‌های واقعی را به جهان مخابره کرده‌اند.

از این رو، خبرنگاری در عصر حاضر ضرورتی حیاتی است. خبرنگاران نه تنها حافظان مرزهای حقیقت‌اند، بلکه در برابر تهاجم ادراکی و رسانه‌ای، نخستین خط دفاعی یک ملت را شکل می‌دهند. آنان با بازنمایی دقیق و مستند رویدادها، تولید محتوای معتبر و مقابله فعال با روایت‌های جعلی، سپری در برابر جنگ نرم دشمن فراهم می‌آورند.

کشوری که نتواند در این میدان به‌درستی عمل کند، دیر یا زود روایت خود را وا می‌گذارد و به صحنه‌ای تبدیل می‌شود که تصویرش را دیگران می‌سازند. خبرنگاری امروز یعنی مقاومت در برابر این فرایند؛ یعنی ایستادن در برابر سیل تحریف، نه با سلاح؛ بلکه با حقیقت.

دولت در روز خبرنگار می‌تواند با اتخاذ رویکردهای مؤثر تضمین آزادی بیان واقعی و پذیرش نقد، تصویب و اجرای قوانین حمایتی روشن و عدالت‌آمیز برای خبرنگاران، ارتقای وضعیت حقوقی و امنیت شغلی با ارائه بیمه، آموزش تخصصی، ارتقای فناوری‌های اطلاع‌رسانی، ایجاد نهادهای مستقل برای پیگیری شکایات حرفه‌ای و همچنین تجلیل و تقدیر از خبرنگاران متعهد و اخلاق‌مدار، وضعیت این حرفه را بهبود بخشد.

جایگاه خبرنگاران در ایران به‌ظاهر نمادی از وجاهت اجتماعی و تأثیر فرهنگی است؛ اما این جایگاه بدون حمایت ساختاری، استقلال حرفه‌ای و آزادی اعتراض و نقد به سادگی می‌تواند لطمه ببیند؛ بنابراین در روز خبرنگار نه فقط باید ادای دین صورت گیرد؛ بلکه شرایط حمایتی واقعی و مستدام باید ایجاد شود تا خبرنگاران بتوانند رسالت اجتماعی خود را بدون ترس و فشار دنبال کنند و رسانه‌ها، نقش واقعی خود را در توسعهٔ اجتماعی، شفافیت و پاسخگویی حکومت، ایفا نمایند.

امید است در روز خبرنگار به‌جای برگزاری مراسم کلیشه‌ای و حرف‌های خسته کنندهٔ تکراری، نظام با آسیب‌شناسی رویکرد رسانه‌ها و تجدید نظر در قوانین جاری، به تقویت رسانه‌ها و تربیت نیروی حرفه‌ای همت کند.